

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.
۱۱/۰۱/۲۲

شتر صالح پیغمبر

این مسلمان بودن هم فایده دارد . اما نه برای همه کسان چون مسلمانی که میخواهد باید مصون، غیر مسؤول و بالای چشم همه زندگی نماید باید رموز این موفقیت را بداند در غیر آن تبدیل به یک موجود راه گم کرده و حیران شده، از گفتار و اعمال خود نمیتواند استدلال منطقی نماید .

من قبلاً راجع به همچو مسلمانها در نوشته زیر عنوان (اسلام، مسلمان و نیمچه مسلمان) که اکنون هم در آرشیف پورتال عزیز "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان" موجود است درین باره تا اندازه توان خود رو شنی انداخته ام . حال که مسأله (خرافات مقدس) مطرح است دیده میشود که همانها، همان نیمچه مسلمان ها و یا عرب زده ها زیر عناوین مختلف از هر گوشه و کنار سرو صدا به راه انداخته اند. که لازم است تا اندازه ای که اوشان از چوکات ادب خارج نشده و عفت قلم را مراعات میدارند با آنها صحبت نمود و در فضای نهایت صمیمیت و هموطنی (اگر امکان داشته باشد) با طرح حقایق غیر آشکار اسلامی مفاهمه نمود تا باشد از لابلای این صحبت ها حقایق نا گفته و ناشنیده به هموطنان ما آشکار و روشن شود . .

من در ارتباط شرح مسایل که از عمر آن اضافه تر از سه ماه نمیگذرد معیار نوشته هایم قرآن و به تکیه بر آن بررسی های خود را انجام داده ام. هموطنانی که نظریات و انتقادات خود را فقط روی نوشته (اسلام دین شمشیر یا بدون شمشیر) و (خرافات مقدس) به نمایش گذاشته اند من نتیجه ای که میگیرم، این است :

انتقادیون نوشته های قبلی را قبول داشته اند و یا اگر هم بنا بر دلایلی نداشته اند چیزی برای گفتن نداشته و ندارند .
ورنه اگر انتقاد و بررسی یک مسأله مطرح باشد از همان شروع باید تحت بررسی گرفته شود .

کنون برای جلوگیری از طوالت کلام میخواهم چند سطری پیرامون نوشته های هموطنان عزیز و نامهربان که همیشه با حقیقت های تلخ زندگی بر خورد عجولانه و قضاوت های احساساتی میدارند بنویسم، اولین اعتراضات از دو هموطن من که اولی آقای "وردک" می باشد؛ البته اوشان ضمن انتقاد اخطاری هم داده اند که چون با مقدسات مردم سرو کار باید هوشیار باشم و هم تذکر داده اند که بحث ها مستدل باشد. و اینکه دین اسلام انقلاب را به وجود آورد و اینکه این نوشته ها باعث میشود که راست افراطی مکاتب ما را بسوزانند همچنین از مثنوی و عرفان صحبت نموده اند و اینکه من معبود شانرا هوش پرک و عاجز خوانده ام و چند اعتراض دیگر .. خدمت شما آقای

وردک عرض بدارم اینکه :

در ابتدای نوشته تان شما آشکارا نوشته اید که مسلمان هستید و اما سوالات من را کسی دیگری به نام محقق، عالم دین و علمای فقه با ید جواب بدهند. تعجب من هم همین است که مسلمان شمائید و جوابده اعمال خود در آخرت نیز خود هستیدا درین دنیا وقتیکه متوجه سوالی میشوید آنرا محول به دیگران میکنید؟. اولاً باید بپرسیم که مسؤل شما کی است که بخاطر مسلمانی شما باید جوابده باشد؟ یعنی اینکه مسلمان شمائید و جوابگوی مسلمانی شما کسی دیگر؟ به مفهوم دیگر اینکه شما از اسلام و مسلمانی چیزی نمیدانید فقط مسلمانی؟ جای تعجب این است؟ حالا اگر شما میخواهید از کسی دعوت نمائید که از مسلمانی شما دفاع نماید باید این کار را بکنید تا اوشان دلایلی بیاورند که آقای "وردک" به این دلایل مسلمان هستند؟ و اینکه شما از علمای دین نام بردید به تعجب من افزوده شد. مگر اسلام علم است؟ که عالم داشته باشد؟ لطفاً واضح سازید منظور شما از علم چیست؟ همین فرشته های بالدار؟ شیطان که معلوم نیست از کدام جنس است؟ یا معراج محمد در براق و رفتن او پیش خدا در آسمان هفتم؟ و یا چه؟ یک چیزی شما لطف بفرمائید که نشانه علم و یا مشخص تر اسلام را منحیث علم معرفی نماید؟

آقای "وردک" از مقدسات گفتید، اولاً باید قدسیت آنرا شما ثابت بسازید تا روی آن صحبت کنیم و همچنان استدلال خیلی نا به جا که چنین نوشته ها باعث میشود تا بنیاد گران مکاتب ما را بسوزانند؟ مگر قبل ازین نوشته ها آنها به مکاتب و معلمین و معارف احترام داشتند که بعد از نوشته های من بهانه میگیرند و مکاتب را خواهند سوزانید؟ و اینکه من معبود شما را هوشپرک و عاجز گفته ام. آقای "وردک" چرا خود را به کوچه حسن چپ میزنید؟

آن را من نگفته ام آنرا قرآن که شما میگوئید کلام الهی است، گفته است. ساخته و پرداخته ذهن من نیست و من در همان وقت آیات آنرا هم گفته ام مثلاً خدا در قرآن میگوید آسمانها را خلق کرد و با هر دو دستش آنرا بلند نگهداشت تا بر سر ما نیفتد همین خدا که اینقدر قدرت دارد چرا به ابوالهب دعای بد میکند و میگوید (دست های ابوالهب بریده باد) بر داشت شما چیست؟ اگر بناء باشد من شخصا به خدائی ایمان داشته باشم به چنین خدائی که ادیان معرفی میدارد بندگی نمیکنم چون او خودش که عرش دارد، تخت و تاج دارد و ملیونها موجود به نام ملک و فرشته او را عبادت مینماید و تعظیم میکنند اما از شیطان میترسد. چون وقتیکه شیطان میخواهد به آسمانها برود خدا به فرشتگان امر میکند و شیاطین را با ستاره های دنباله دار میزنند مگر چنین خدائی عاجز و بیچاره نیست؟ اگر او بزرگ است و توانا چرا ابوالهب را دعای بد میکند مثل پیره زنان و در رقابت با بنده های خود میگوید (یهود با خدا مکر کرد و خدا هم با یهود مکر کرد و خداوند بهترین مکاران است) نمیدانم کدام عقل سلیم به چنین خدائی تعظیم میکند؟ خدائی که بخاطر شتر صالح پیغمبر که از علف زار مردم گیاه میخورد و مردم به ستوه آمدند و پای شتر صالح را زخم کردند و خدا هم خشم گرفت و نیمه شب زلزله را فرستاد و قومی را نابود کرد) خدائی به این قدرت که زلزله را می فرستد (وتو آقای "وردک" میگوئی اسلام علم است) چرا در مقابل ابوالهب عاجز است؟ چرا در جنگ های محمد زلزله را نمی فرستد؟ اما در تقسیم اوقات شب خوابی محمد با زناش آرام آرام نوبت بندی میدارد؟

آقای وردک! معیار نوشته های من قرآن است اگر به همان پیمانه چیزی میدانی بنویس در غیر آن لطفاً بگذار آنانی که درین موارد بلد هستند چیزی بگویند و به اصطلاح (آن خاین ملی ازین نمذ کلاهی دارند) آنها بیابند استدلال قرآنی بدارند. شما که از قرآن چه که اساسات اسلام را هم بلد نیستید. تا آنجا که من میدانم گردانندگان این پورتال خرافه پسند نیستند و تعهد ملی دارند تا به منافع ملت پشت نکنند و تا جائی که امکان دارد زمینه روشنگری مغز های خمود و جمود و عرب زده و مریدان شرق و غرب را در پر تو رو شنائی علم و تجربه مساعد سازند. و

نهایت ممنون از احساس پاک شان .

و اینکه آقای "وردک" راجع به تجاوزات امریکائی ها و قوای ناتو هم صحبت نموده اند . فکر نمیکنم هیچ وطنپرست و انسان با وجدانی در وطن ما این تجاوزات را قبول داشته باشند اما این به آن معنی نیست که طالبان یا گلبدین و یا حکومت فعلی به حق اند. راستی آقای "وردک" حالا که صحبت از تجاوز شد میتوانید ذهن مارا روشن بفرمائید که فرق بین تجاوز عربها بر ملک ما، تجاوز چنگیز، علاءالدین، بابری ها، تیموری ها، صفوی ها، قاجاریها، انگلیسها، شوروی ها و در اخیر غربی ها در چیست؟ چون در سه مورد تشابهاتی که من از پذیرائی ها می بینم دولت و قدرت مندان مسلط بر دولت از دموکراسی غربی دفاع و شرط (آدم) بودن مارا قبول این دموکراسی قرار داده اند در زمان "رفقای!!" خلقی و پرچمی معیار های انسانی ما وابسته به احترام مردم ما به دولت شوروی تبلیغ شد. بعد از کشتار بیرحمانه هموطنان ما و تاراج هستی های مادی و معنوی توسط گرگان و وحشیان شیرشتر و گوشت سوسمار خورده اعراب، اطاعت بی قید و شرط ما از هدایات اعراب و پیروی از خرافات مقدس شرط جلوه داده شده نظر شما درین باره چیست ؟ امید است پاسخ تان نسبت به گذشته فرق نموده اندکی بر بار منطقی آن بیفزائید.

آقای "وردک"! از شاخی به شاخی پریدن فایده ندارد اینکه شما از تصوف و عرفان و غیره صحبت نموده اید زیاد تر تعجب کردم برای اینکه من از تهداب اسلام و اساس اسلام که همان قرآن است صحبت میکنم یعنی درخت و شما از شاخه های آن مثال می آورید ؟ این چه نوع جرو بحث است ؟ چرا میخواهید ذهنیت ها را مغشوش نمائید ؟ لطفا روی همان اساسات صحبت نمائید که مطرح شده است یعنی قرآن و هدایاتش ؟ نه چیزی دیگر . من تازه قرآن را به تحلیل گرفته ام تا آنچه را که شما و یا آنانیکه مانند شما می اندیشند درین باره، فقط در باره هدایات قرآنی صحبت نمائید نه حدیث و تشریح علمای فقه در آن زمینه ؟ عجله نکنید به آنجا ها هم میرسیم . اگر چیزی از قرآن میدانید پس خاموش باشید و بگذارید آنهائی صحبت بدارند که از قرآن میدانند. یا اینکه فکر میکنند میدانند؟ وقتیکه رسیدیم به قسمت هائی که شما معلومات دارید بیا بیو گو یا شوید.

چیزی دیگری که آنقدر هم تعجب انگیز نبود این است که جناب شما در مقابل نوشته های رو شنگرانه دانشمند محترم آقای "سدید" آنقدر عکس العمل منفی نشان دادید که فکر می شود شما آماده یک جدال سر در گم و بی پایه استید تا نا رسائی های اسلامی و قرآنی را در لابلای آن پنهان سازید چرا این همه عکس العمل منفی ؟ اگر بناء باشد شما راستگو باشید و از حق دفاع نمائید چرا در مقابل نوشته سر ابا توهین دو ست تان آقای "سراب صلاح" عکس العملی از خود نشان ندادید ؟ اولاً که ایشان خواستار قطع نشر نوشته های مثل نوشته من شده بودند به عکس من آرزوی شدید دارم تا هر نوشته ایشان و شما و امثالهم نشر شود تا از لابلای کاستی های آن حقایق روشن شده هموطنان شریف و خوش باور ما که قر بانی این نوع خرافات و جنایات تدوین شده استند، به کنه و اصل این خرافات آگاهی نسبی پیدا نمایند .

ما ۱۴۰۰ سال زیر بار این خرافات زندگی کردیم و هیچ عرب و مسلمانی بعد از جنایات زیاد و آدمکشی های بی نظیر تاریخ دیگر نیامدند تا ببینند درین گوشه دنیا چه میگذرد. اگر هم آمدند به خاطر جمع آوری غنایم فرهنگی و مادی ما بوده و لذت بردن از غرق بودن ما در خرافات. چون آنها چک چکی های داشتند و دارند که آگاه و نا خود آگاه به ساز آنها در هر مقطع تاریخی رقص اسلامی انجام میدهند .

حال وقتیکه در اعتراض به اجانب پرستی و اسلام و دست آورد هایش صحبت میداریم اعراب خاموش نشسته اند و فقط تیر اوران وطنی ما استند که رونق این بازار را بیش از پیش رنگین ساخته اند . چون نوشته آن دوست تان بی

محتوا تر از نوشته های شما بود از تشریح و تحلیل آن گذشته فقط به دو نکته آن اشاره میدارم اینکه :
از نام من خوش شان نیامده چون عربی نیست و پیشوند غلام و عبدل ندارد به من تهمت بسته که من جرأت گفتن اسم خود را ندارم.

آقای صلاح! از جرأت صحبت مکن چون شما هنوز هم در خواب و خیال های سلیمانی زندگی میگذرانید و اینکه آقای صلاح از مقام قضاوت انسانی پائین می آید و مثل جباران تاریخ و چاپلوسان در بار سلاطین اموی و عباسی در باره داد خدا میگویند که : (با خدا دادگان ستیزه مکن که خدا داده را خدا داده و اما آنها را که خدا نداده بلی ظلم کردند، وطن فروشی و ناموس فروشی کردند قیام علیه شان وجبیه و فرض است) و به من توصیه نموده اند که فهم خود را درین زمینه دقیق سازم ؟؟؟؟؟؟؟؟؟ آقای "وردگ" شما چرا به این دو جمله حساسیت نشان ندادید ؟ دو حالت دارد یا با او هم نظر استید یا مخالف ؟ در هر دو صورت شما باید توضیحات میدادید ؟ حال وقتیکه سطح قضاوت یک انتقاد کننده راجع به ملت مظلوم و بیچاره ما چنین باشد فکر نمیکنم صحبت زیاد با او لازم باشد ؟ فقط میخواهم با هموطنانم، با جوانانم و با زحمت کشان کشورم صحبت کنم .

ببینید وطن داران این است نظر و مفکوره اسلام و اسلام زده ها و نوکر منشی به اعراب ؟ آقای صلاح با بی ادبی خاص خود شان ۹۹ فیصد از زحمت کشان و آنانیکه سالها قربانی این دیو های خوش رنگ اسلامی، این غلامان اجنبی و این بردگان استعمار شده اند در باره شان چنین قضاوت نا بخردانه میکند. یعنی آنکه را خدا داده، داده و آنانی راکه نداده بی وجدان و است.

نه، نه! آقای "صلاح" چنین نیست اگر چنین میبود آنها هم مثل شما از نعمات دنیای بر خوردار میبودند و مثل شما حرف میزدند و نمیدانم در مقابل هم چو طرح خائنانه و غیر انسانی ما چرا خاموشیم اگر آقای "وردگ" در مقابل رهنمائی ها و طرح های انسانی آقای "سدید" عکس العمل شدید نشان میدهد و در مقابل طرح خائنانه آقای صلاح خاموشی اختیار میکند فکر نکنم آقای "وردگ" مسوولیت این سکوت شان را تحمل نموده بتوانند مگر اینکه جناب شان نیز به مانند "صلاح اندیشیده از دید ایشان هم، در دزدی های مسعود ربانی، سیاف گلبدین، محسنی خلیلی و سایر جنایتکاران خدا به علاوه تأیید کننده سر جوال را نیز گرفته باشد.

و یا اینکه انسان به این گفته "ولتر" خود را قناعت بدهد:

"صحبت و جرو بحث با آدم فاقد علم مانند گشت و گذار با آدم بی پای است".

نظر به مصروفیت های زندگی و علالت مزاج سلسله این نوشته ممکن است کمی به تاخیر افتد اما به یقین کامل این افشاگری ها ادامه خواهد یافت. در اخیر ضمن ابراز امتنان از دانشمند پر مایه و خرد مند آقای "سدید" خانم رزمنده و شخصیت فرهنگی کشور ما دپلوم انجنیر "نسرین معروفی" و استاد گرانمایه آقای "عزیز نعیمی" و دیگر دوستان خردمند و دگر اندیش که درین بحث ما را همیاری نموده و با نوشته های عالمانه شان مصدر خدمت به جامعه افغانی و انسانی شده و میشوند و همچنان به گردانندگان پورتال عزیز و با شهامت "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان" که سهمی بارزی در خرافه زدایی گرفته اند، درود می فرستم.

این سلسله دوام دارد.